

معماری منظر در تهران امروز



سید امیرمنصوری،
استادیار گروه معماری،
پردیس هنرهای زیبا،
دانشگاه تهران

amansoor@ut.ac.ir

مقدمه | تهران نمونه‌های زیادی از معماری منظر دارد. شرایط محیطی تهران و علاقه ایرانیان به روز آمد بودن موجب شده تا طرح‌های متنوعی از معماری منظر در تهران به اجرا درآید. شاید بتوان گفت از حیث پروژه‌های منظر، تهران یکی از شهرهای غنی و پیشرو در میان شهرهای هم‌تراز خود باشد. روند امروزی شدن در تهران به معماری منظر خلاصه نمی‌شود و در سایر عرصه‌های معماری و شهرسازی نیز سرایت دارد. نمونه‌های جدید معماری، مراکز تجاری مدرن و برج‌های مسکونی گران قیمت در کنار تجهیزات شهری مدرن همچون خیابان دو طبقه، تونل‌های شهری، پل‌ها و اثاثیه شهری پیشرو (های تک) حاکی از این گرایش شدید در میان ایرانیان است. اگرچه برخی تحلیل‌گران علت آن را واکنش به محدودیت‌های دهه اول انقلاب و جنگ نسبت می‌دهند، باید دانست که این خصلت در تاریخ هنر و تمدن ایران سابقه‌ای طولانی دارد. مدیریت شهر تهران در برنامه‌های اخیر خود بر ارتقای کیفی شهر از طریق تمرکز بر توسعه زندگی اجتماعی و افزایش فضاهای جمعی و تفرجگاهی تأکید کرده است. آمار فعالیت‌های شهرداری نیز از سمت‌گیری به سوی پروژه‌های عمومی شهر حکایت می‌کند و در قیاس با گذشته، که اولویت با طرح‌های عمرانی و شبکه‌های بزرگراهی بود، از جهت‌گیری جدید حکایت می‌کند.

۱. جامعه‌شناسی زیبایی در ایران
رشد آمار فضاهای جمعی و تفرجگاهی، خطر عامه‌گرایی در طراحی و ساخت آنها را افزون می‌کند. با عنایت به جنبه عمومی این گونه طرح‌ها و تأثیرگذاری آنها بر الگوی ساخت و ساز جامعه، تداوم هویت و پرورش ذوق زیبایی مردم لازم است به موازات اقدامات توسعه‌ای، بررسی‌های کیفی و ارزیابی علمی از آنها صورت گیرد. این کار در یک پژوهش گروهی، که با مشارکت بیش از ۵۰ نفر پژوهشگر در سطوح مختلف تحصیلی برگزار شد، ۱۴ پروژه معماری منظر در تهران را مورد توجه قرار دارد. مشروح مطالعات در مقالات جداگانه و جمع‌بندی آنها ذیلاً ارائه شده است.

برای ارجاع خواننده به مبانی تحلیل نکات اصلی مرتبط مختصراً توضیح داده شده که در ادامه آمده است.

• اصالت حیات اجتماعی

فرهنگ ایرانیان و سنت اجتماعی آنان از زندگی اجتماعی و حضور در فضاهای جمعی استقبال می‌کند. این سنت، علیرغم قدرت نهاد خانواده و رواج دیدارهای خویشاوندی است. پیوند وثیق میان زندگی اجتماعی و فرهنگ دینی در جامعه ایران موجب رونق و موفقیت فضاهای جمعی می‌شود. ریشه این سنت در توصیه‌های اسلام به برتری زندگی اجتماعی، حتی در عبادت است. اسلام، قدیمی‌ترین مکتبی است که به وجود و ارزش‌های اجتماع اشاره کرده و آداب خود را بر رواج آن استوار کرده است. نماز جماعت، نماز جمعه، اولویت رسیدگی به حال همسایگان، زندگی در محله‌های قومی و صنفی و بسیاری آیین‌های دیگر برآمده از تعالیم قرآن، سیره رسول اکرم (ص) و امامان معصوم بوده که فرهنگ ایرانی را شکل داده است.

• هویت تعاملی

قرارگیری فلات ایران در مرکز خشکی‌های جهان و ویژگی چهارراهی آن در مسیرهای اصلی شرقی - غربی و شمالی - جنوبی عامل دیگری در پدید آمدن خصلت فرهنگی ایرانیان است. این عامل ایران را در نظر قدرت جویان به موقعیتی استراتژیک بدل می‌کرد که تسلط بر آن به حاکمیت آنان تمامیت می‌بخشید. این خصوصیت دو اتفاق مهم را پدید آورد: نخست، حمله‌های پی در پی همسایگان دور و نزدیک برای تسلط بر این نقطه استراتژیک و دیگر، تبادلات فرهنگی گسترده با بیگانگان. ایرانیان اما در این حوادث دشوار تاریخی سربلند بیرون آمدند و به شهادت زبان واحد، دین واحد، تمدن و هنر مشترک و حفظ مرکزیت سرزمین خود توانستند کهن‌ترین تمدن زنده تاریخ شناخته شوند. ملتی که علیرغم هجوم‌های مکرر به سرزمین آنان و تبادلات گسترده فرهنگی، مانند مصریان، عرب نشد و مانند هندوها، به دین باستانی خود نماند. اینها ملتی بودند که جنگ‌ها

و لشگرکشی‌ها را به فرصتی برای تعامل با دنیای بیرون و اخذ نقاط قوت آنان بدل کردند. از این روست که در دوران سلطه امویان و عباسیان بر سرزمین ایران زبان و فرهنگ آنان همچنان فارسی باقی ماند ولی دین اسلام که آورده‌ای الهی به دست اعراب بود، توسط ایرانیان پذیرفته شد و آنان توانستند نقش مهمی در تبیین و گسترش آن ایفا کنند. این رویکرد در ارتباط با سایر ملت‌هایی که ایرانیان با آنان در تعامل صلح و جنگ بودند نیز اتفاق افتاده بود. فارغ از ارتباطات پیش از تاریخ، در دوران تاریخی زندگی در کنار یونانی‌ها، رومی‌ها، هندوها، بوداییان، ترکان، مغول‌ها، تیموریان و عرب‌ها برای ملت ایران فرصتی بود که با تعامل فرهنگی بتواند به بازخوانی جهان بینی و آیین‌های خود پردازد و دستاوردهای جدیدی را به سبب تمدن پرنفوذ خود بیفزاید.

• طبیعت رمزآلود

دوستی با طبیعت صفت دیگر جامعه ایران است. در دوران‌های قدیم، جهان بینی ایرانیان خورشید و ماه را منشأ نعمت‌های زمین می‌شناخت که در عهد زرتشت آنان را تحت عنوان دو الهه مهر و آناهیتا یاوران اهورا مزدا قرار داد. در عصر اسلام، قرآن، طبیعت را آیه خداوند و وجود نازل او معرفی کرد و اعتبار آن را تداوم داد. در نتیجه معنای قدسی، وصف جداناپذیر طبیعت شد. این رویکرد در فرهنگ ایرانی به شکل‌گیری زیباشناسی متصل به طبیعت و در ادامه به فهم منظر ایرانی به عنوان محصول تعامل ایرانیان با طبیعت، انجامید. انواع هنرهای اصیل ایرانی، در صورت یابی خود زبان رمزی مرتبط با طبیعت را به کار گرفته از وحدت زیبایی‌شناسانه آنان حکایت می‌کند. امری که از یک سو به تداوم هویت ایرانی، به عنوان صفت تاریخی زیست ایرانیان در سرزمین ایران و از سوی دیگر به پدید آوردن زیبایی‌شناسی ایرانی در هنر منجر می‌شود.

• مدرنیسم تحمیلی

دوران معاصر جامعه ایران زمین نیز همچون تاریخ کهن آن با هجوم بیگانگان مواجه بوده است. علاوه

بر ارزش‌های استراتژیک سرزمین ایران، کشف نفت و معادنی که می‌توانست پشتوانه صنعت اروپائیان باشد و بازاری که می‌توانست پول اندک خریداری منابع خام را در قبال فروش کالای ساخته شده به محل اول خود برگرداند، زمینه طمع غرب شد تا بر این سرزمین سلطه یابند. این بار روش‌ها متناسب عصر جدید بود و از لشگرکشی و تصرف «زمین» به سلطه بر «مدیریت سرزمین» تغییر کرد. جمع‌شدن بساط سنتی قاجار و ترویج دولت مدرن پهلوی محصول این سیاست بود. در این دوره نیز ایرانیان همچون گذشته شاهد ظهور سنت‌های جدید و جریان اندیشه‌هایی شدند که از سوی اروپای مدرن به سمت شرق جریان داشت. واکنش آنان نیز مشابه پیشینیان، برخورد فعال با فرهنگ پیش رو بود؛ گزینش پاره‌هایی از فرهنگ مدرن، برآمده از عقلانیت جامعه اروپایی در کنار حفظ جهان بینی اسلامی و نموده‌های فرهنگ ایرانی. انقلاب اسلامی، محصول این چالش بود: تمایل به زندگی امروزی و استفاده از دستاوردهای مدرن در عین حفظ استقلال و فرهنگ دینی.

جمع‌بندی | ایران، که در موقعیت چهارراهی در مسیرهای اصلی دنیای قدیم قرار داشته، همواره مورد هجوم اقوام شرق و غرب قرار داشته و توانسته ضمن حفظ سرزمین خود، تمدن خود را نیز حفاظت کند، به گونه‌ای که امروز شاید کهن‌ترین تمدن زنده جهان شمرده شود؛ این دستاورد محصول انعطاف‌های ظریف و زیرکانه‌ای همراه بوده که در تعامل با تمدن‌های مهاجر و مهاجم صورت گرفته است. وجود واژه‌های ترکی، عرب، چینی، روسی، انگلیسی، فرانسوی در زبان خارجی همراه با نمونه‌هایی از زیبایی‌شناسی ملل دیگر در حاشیه هنر ایران، حاکی از آن است که ملت ایران زبان گفتگو و تعامل را در برابر زبان سختی و صلیبیت برگزید. بدین ترتیب توانست بنیادهای خود را حفاظت کند و در عین حال با قدرت‌های دیگر در تعاملی که موجب مانایی او شود به سر برد. شاید رمز نوگرایی و تجدد در علائق ایرانیان تداوم این سنت در طول تاریخ طولانی آنان باشد.

در عین حال ایرانیان، ملتی سخت پایبند به سنت هستند و درکنار تنوع طلبی، به حفظ موازین خاص اهتمام جدی داشته‌اند. نتیجه این کوشش، بقای هویت و تمدن ایرانی است، در حالی که تمدن‌های هم عصر و پیش از آن همچون مصر، چین و یونان دیگر وجود فعال ندارند.

۲. اوصاف معماری منظر در تهران

تجمع شرایط وصف شده، در شهرهای ایرانی و در رأس آنها تهران، منظر ویژه‌ای را آفریده است. با اعتقاد به این که تحولات فرهنگی، علی‌الخصوص در قسمت‌های سخت‌افزاری آن مانند معماری و شهر، تدریجی و طولانی است، باید اقدامات مدیریت شهری در عرصه معماری منظر تهران را تحت شرایط پیش گفته ارزیابی کرد. مهمترین یافته‌های ۱۴ مطالعه مستقل در خصوص طرح‌های معماری منظر تهران به قرار ذیل جمع‌بندی می‌شود:

• فقدان راهبرد

اغلب پروژه‌های بررسی شده فاقد راهبرد خاص بالادستی برای گونه‌شناسی فضای جمعی ایجاد شده بوده‌اند؛ راهبردهایی که می‌توانستند تحت عناوین توسعه سازگار محیط، گسترش زندگی پیاده، تعریف نقاط عطف شهری، جلوه‌گری علم و فناوری و سیانت از هویت تاریخی پروژه‌های بررسی شده را هدایت کنند. در غیاب راهبردهای بالادستی، که در طرح جامع تهران دیده نشده بود، نقش مدیر، که موقتی و غیر کارشناس است، حداکثری می‌شود و پروژه‌های منظر به گونه‌هایی پراکنده و سلیقه‌ای، که آهنگ واحدی در شهر تولید نمی‌کنند، بدل می‌شوند. ارزیابی نمونه‌های بررسی شده حاکی از تعریف ناهماهنگ آنهاست که جز عملکرد تفریحی و فراغتی ارزش معنایی و زیباشناسانه هم سویی ندارند.

• مکان‌یابی جزءنگر

اغلب طرح‌های معماری منظر در تهران به صورت مستقل و جزءنگر مکان‌یابی شده‌اند و در برنامه‌های بالادستی و هم‌بستر دیده نشده‌اند. حتی در نمونه‌های بزرگی مانند

پروژه‌های عباس‌آباد که در طرح جامع تهران دیده شده، حفظ زمین به صورت عرصه عمومی و با عنوان عام سبز موجب تعریف پروژه‌هایی شده که همچنان مدیر محور است و فاقد همبستگی و تنوع لازم برای نقش آفرینی به عنوان نوعی مرکزیت در شهر.

• مداخله‌های کارفرما

انتخاب مشاور و راهبری طرح آنان از معیارهای کارشناسانه و تخصص محور نیست. ترجیحات اقتصادی (مناقصه) و روابط مشاور و مدیر (سابقه کار قبلی) مهمترین عوامل انتخاب به شمار می‌رود. در گروه طراحی اغلب نمونه‌های مطالعه شده هیچ معماری منظری وجود نداشته و طرح‌ها با «سلیقه» راهبران و طراحان هدایت شده است. در مصاحبه‌های انجام شده با مشاوران طرح، آنان نیز از روش دستوری کارفرما برای اعمال نظر در طراحی اظهار ناراحتی می‌کردند و کاستی‌های پروژه را به آن منتسب می‌کردند. در نمونه‌هایی که طرح به صورت مسابقه برگزار شده بود نیز این کاستی در هر دوسو به چشم می‌خورد: در گروه داوری پروژه، متخصص معماری منظر وجود نداشته و در راهبری طرح نیز کارفرما یا یک نفر از داوران تحت عنوان ناظر طرح هدایت پروژه را بر عهده داشته است.

• مشاور غیرمتخصص

گروه طراحی پروژه در اغلب نمونه‌ها به دو دلیل اصلی فاقد متخصصان مرتبط با موضوع بود: اول، اعمال نظر غیرمتعارف کارفرما یا ناظر در روند طراحی که وجود کارشناسان مبتکر و صاحب‌نظر را بی‌فایده می‌کرد؛ دوم، اتکا به رتبه شرکت به جای صلاحیت فنی تیم کارشناسی از سوی کارفرما. در این شرایط انتظار آن که مشاور هزینه بالاتر تیم متخصص را تقبل کند و بعداً به خواست کارفرما مجبور به محدود کردن آنها شود، غیر معقول است. در نتیجه مشاوران به طور متعارف ترجیح می‌دهند با تیم ثابت و کارشناسان چند منظوره دفتر خود در جهت تأمین خواست کارفرما وارد پروژه شوند تا طرح زودتر تصویب شود و حق الزحمه‌شان پرداخت شود.

• تکرار خطا

تقریباً در همه نمونه‌های بررسی شده، بازخورد و ارزیابی پس از اجرا هیچ نقشی در اصلاح روند آفرینش پروژه

نداشته است. از یک سو مدیریت شهری، با همان روش آزمون و خطا و براساس نظریه مدیر مقتدر مسؤول ارزیابی و چاره‌جویی برای پروژه‌ای است که در مرحله بهره‌برداری دچار مشکل شده و از سوی دیگر مشاور کمترین وظیفه‌ای در رصد کردن مشکلات طرح و تحلیل و اصلاح آن ندارد. پس از اجرای طرح ارتباط مجموعه طراحان با بهره‌برداران به کلی قطع می‌شود و بازخوردهای تعامل طرح با جامعه و شهروندان به طور کارشناسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۳. نتیجه‌گیری: چه باید کرد؟

تهران، که از آشفتگی و اغتشاش در منظر شهری رنج می‌برد، شهری است که قابلیت‌های زمینه‌ای تاریخی و جغرافیایی فراوانی برای معرفی به عنوان یکی از زیباترین شهرهای جهان را در خود دارد. متأسفانه در دوره مدرن که سرنوشت تحولات شهری تهران در دست مهندسان متمرکز شده و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با افزون شدن اقتدار مدیریت شهری، مهندسان نیز کانالیزه شدند و نقش فرهنگ عامه در سمت بخشیدن به تحولات حداقلی شد؛ ظرفیت‌های زمینه‌ای تهران در محاق ماند و اقدامات توسعه‌ای مدیریت شهری و مهندسان تابع آنان، که نقش مشروعیت بخشیدن به اقتدارگرایی مدیریت شهری را ایفا می‌کردند، روند اصلی تحولات تهران را رقم زد.

در میان اقدامات توسعه‌ای تهران، که توانسته استانداردهای کمی آن را به نحو چشمگیری ارتقا دهد، ضعف رویکردهای کیفی آشکار است. انتقادات مسئولان ارشد جمهوری اسلامی از کیفیت شهر تهران و نارضایتی دانشگاهیان، حرفه‌مندان، روشنفکران و عامه مردم از کیفیت زندگی موجب شده تا نهادهای مؤثر در مدیریت شهر تهران، مرکب از وزارت راه و شهرسازی، استانداری، شورای شهر و شهرداری تهران شعارهای مشابهی را برای سمت‌گیری توسعه شهر انتخاب کنند. در عمل، این شعارها به طراحی پروژه‌های زیادی در شهر منجر گردید که بخش بزرگی از آنها در حوزه معماری منظر بوده است. رویکرد مدیریت شهری، فراوان ساختن گونه‌های نوین معماری منظر در شهر و تکثیر فضاهای جمعی بوده است. این رویکرد، اما، در صورتی که تنها به عنوان یک کمیت در نظر گرفته شود و جنبه‌های کیفی آن به عنوان عنصر فرعی و تزئینی قلمداد شود، به گسست تاریخی و فرهنگی در جامعه منجر می‌شود که اظهار نارضایتی گسترده از

کیفیت معماری و شهرسازی تهران محصول آن است. زیبایی‌شناسی منظر ایرانی، که محصول تداوم تاریخی آثار هنری ایران در هزاران سال حیات جامعه ایران در تعامل با محیط تاریخی و جغرافیایی خود بوده، نوعی صورت‌بندی به پدیده‌هاست که درک معنای آن و رخ دادن حس رضایت و مطلوبیت نتیجه آن است. ماندگاری اثر هنری و از جمله یک پروژه معماری منظر، علاوه بر رعایت جنبه‌های عملکردی در گرو نسبت آن با زیبایی‌شناسی جامعه ایران است. تشخیص این امر، هرگز نمی‌تواند اقدامی مدیریتی تلقی شود که از سلیقه شخصی یا ایدئولوژی مدیران الهام گیرد. در عین حال، معماری منظر عرصه‌ای تخصصی است که آشنا بودن عناصر به کارگرفته شده و عمومی بودن فضا نمی‌تواند توجیه‌گر پوپولیسم (عامه‌گرایی) در طراحی شود؛ استناد به وجود اعداد خاص در توجیه طرح‌های منظر یا ارائه تفسیرهای شخصی و شاعرانه از فضا در غیاب رویکردهای عقلانی، فلسفی و تاریخی رویکرد رایجی است که مدیران و طراحان غیرمتخصص در توجیه تصمیمات و اقدامات خود به آن تمسک می‌جویند.

اگر چه در دنیای امروز قانونمندی‌های دنیای مدرن، تصمیم‌گیری در خصوص طرح‌های شهرسازی و قوانین شهری را به گروه‌های خاصی منحصر کرده و نمی‌توان با روش‌های ارگانیک دنیای سنت تأثیر خواست شهروندان در شکل شهر را حد اکثری کرد، اما می‌توان با روش‌های تکمیلی خسارت انحصاری کردن تصمیمات شهری را به حداقل رساند و دامنه مشارکت مردم را افزایش داد. رویکرد تخصصی کردن پروژه‌ها و کم کردن نقش مدیران و مهندسان تابع آنان در روند تعریف و هدایت طرح‌ها یک گام عملی برای گسترش دامنه نفوذ خواست مردم در فرآیند آفرینش طرح‌های توسعه شهری است. دانش‌های زیبایی‌شناسی منظر، شناخت عناصر منظر، برنامه‌ریزی منظر، تأثیر متقابل شهر و پروژه منظر و بسیاری عوامل دیگر که موجب موفقیت و ماندگاری پروژه‌های منظر در شهر می‌شود، تنها با نقش آفرینی شایسته آنها در روند تعریف، طراحی و مدیریت منظر پروژه نافذ خواهد بود. در غیر این صورت باید انتظار داشت جامعه ایران که در طول تاریخ بر حفاظت از اندیشه و آیین خود اصرار داشته، با واکنشی غیر قابل پیش‌بینی به روند مدیر محوری خاتمه دهند و خواسته‌های خود را پس از آن که بارها به زبان آورد به کرسی عمل بنشانند.

Landscape Architecture in Tehran Today

Seyed Amir Mansouri, Ph.D. in Urban Studies with landscape approach, Faculty Member at University of Tehran, seyedamir.mansouri@gmail.com

Suffering from disorder and chaos, Tehran is a city capable of introduced as one of the most beautiful cities in the world for its historical and geographical capacities. Unfortunately, in the modern era and after the Islamic Revolution when urban development destiny started to depend on engineers due to their increasing authority in urban management, culture role was undermined and Tehran underlying capacity remained uncovered and urban development management and engineers, who played a role in legitimizing the city management authoritarian, managed the main urban trend in Tehran.

While quantitative standards are highly improved in Tehran development, qualitative impairments are evident. Critics of senior officials of the Islamic Republic in Tehran and academics, professionals, intellectuals and the general public's dissatisfaction of life quality has led to effective institutions in Tehran management, consisting of the Ministry of Roads and Urban Development, the provincial, city and municipal council of Tehran to choose similar slogans and methods for urban developments. Urban management approach was to develop new types of landscape architecture in the city and increasing communal spaces. However, if this approach is merely considered quantitatively and the qualitative aspects are considered as sub-elements decorative, we will witness a historic cultural rupture indicative of dissatisfaction in architecture and urban quality.

Integration of the mentioned situation in cities of Iran and specially Tehran has created a specific landscape. Convinced that cultural developments, especially in hardware areas such as architecture

and town, are quite gradual, municipal architectural management in Tehran requires the evaluation of the status quo. The most important results of 14 independent studies on landscape architecture projects of Tehran undergone by MANZAR journal are as follows:

- Lack of strategy: Most of the projects lacked a specific strategy for the typology of created public space; Strategies that lead the projects in terms of compatible development environment, pedestrians' life extending, defining city milestones, displaying science and technology and preservation of the historical identity.
- Minor location: Most projects of Tehran landscape architecture endure minor locating independent of overall and contextual programs.
- Employer's interference: selection of consultants and design leading is not a professional criterion. Economic preferences (tender) and consultant-employer relations (previous work experience) are the most important selection factors.

Unprofessional consultant: The professional teams in most cases lack the expertise due to two main reasons: first, direct employer's or supervisors' unconventional interference in the design process. Second: reliance on ratings of company instead of technically competent team of experts from the employer.

Error repetition: Nearly in all cases, project and feedback evaluation after implementation had no role in the reform process of the project design. Unwisely, all designer and user communications were cut off after project implementation and the overall feedbacks of project and public interactions are not investigated.